

گروه اقتصاد دفتر همکاری حوزه و دانشگاه  
محمود عبداللهی



# مضاربه مزارعه مساقات

قسمت دوم

در قسمت اول این مقاله بعد از تعریف مضاربه گفتیم که در کتب فقهی، خصوصیات مضاربه به ترتیب سرمایه، کار، سود و زیان، خصوصیات طرفین قرارداد و ویژگیهای قرارداد مضاربه مورد بحث قرار گرفته و سپس درباره عقد مضاربه و آزادی خروج از قرارداد مضاربه و سرمایه در مضاربه و هزینه‌های مربوطه در این قرارداد و نحوه کار و لزوم رعایت کلیه ضوابط و امین بودن عامل و تقسیم سود و زیان صحبت کردیم و اینک قسمت دوم این مقاله:

## ۲- مزارعه

**تعریف:** مزارعه قراردادی است بین صاحب زمین زراعی و کشاورز که به موجب آن، کشاورز زمین را کشت می کند و محصول به نسبت معین که مورد توافق طرفین قرار گرفته، بین آنان تقسیم می شود.<sup>۱</sup>

از این تعریف مشخص می گردد که مزارعه فعلیتی است تولیدی که زمین از یک طرف و کار از طرف دیگر عرضه می گردد و محصول به نسبت معین شده، بین آنان توزیع می شود.

ارکان مزارعه عبارتند از: زمین، بذر، کار و ابزار، که در کشاورزی مورد نیاز است، مطالبی که در این باره در کتابهای فقهی مورد توجه قرار گرفته، بیشتر در ارتباط با ارکان مزارعه و طریقه توزیع محصول می باشد که بطور فشرده، مسائل اقتصادی آنرا بررسی می نمائیم.



### ۱- کار در مزارعه

یکی از عوامل تولید در قرارداد مزارعه، کار است که کشاورز بعهده می گیرد. اینجا هم مانند مضاربه ضوابطی وجود دارد که باید رعایت گر: مثلاً مقدار و مدت زراعت و کار کشاورز باید مشخص باشد و کلیه ضوابطی که معین می شود، باید از طرف مجری مراعات شود.<sup>۲</sup>

زارع مشمول قانون کلی عامل امین است می باشد و بنابراین اگر ضوابط را رعایت کند و در وظایف محوله خود کوتاهی ننماید در صورت تلف برای تلف و خسارت،

(۱) - تذکره الفقهاء ج ۲ ص ۳۳۶ - تحریر الوسیله ج ۱ ص ۶۲۳

(۲) - شرایع ج ۲ ص ۱۵۰ - عروة الوثقی ص ۹۵۲

مسئولیتی ندارد و در بسیاری از موارد، اگر اختلافی پیش آید، قول زارع مقدم است. ولی اگر مشخص شد که عامل، حدود لازم را رعایت نکرده و این کوتاهی، موجب خسارتی شده، به میزانی که کارشناس معین کند ضامن می‌باشد.<sup>۱</sup>



## ۲- زمین

رکن اصلی در مزارعه، زمین است و نکاتی که ذیلاً بیان می‌شود، باید درباره آن رعایت گردد:

### الف: زمین برای زراعت آماده باشد:

زمینی که باتلاق بوده و هیچگونه قابلیت برای زراعت منورده قرارداد ندارد، نمی‌تواند به عنوان مزارعه در اختیار نیروی کار قرار گیرد. زمین باید آماده زراعت و بهره‌برداری باشد، و برای کشاورز امکان فراهم کردن آب برای آن باشد بگونه‌ای که بتوان در صورت نیاز، بوسیله کانال آبرسانی، لوله کشی و مانند آن، از زمین استفاده کرد.<sup>۲</sup> بنابراین، در مزارعه فقط کشت در اختیار کشاورز قرار می‌گیرد و زحمتی برای آماده کردن زمین ندارد و مالک موظف است زمین آماده شده را در اختیار او قرار دهد.

### ب- حق داشتن بر زمین:

عرضه کننده زمین باید نسبت به آن حق داشته باشد یعنی باید یا مالک زمین بوده و یا حق بهره‌داری از منافع آن را داشته باشد. مانند اینکه زمین را اجاره کرده و یا مثلاً دیگری (مالک زمین) مجاناً آن را در اختیار او گذارده باشد تا مدتی از آن استفاده کند. لذا کسی نمی‌تواند زمینهایی را که نسبت به آن هیچگونه حقی ندارد (مانند زمینهای موات و آنچه متعلق به دولت و یا عموم مسلمین است بدون اذن امام و حکم اسلامی) به مزارعه گذارد و لذا اینکه در دوران طاغوت، افراد با زدو بندها و موقعیت اجتماعی که داشتند زمینهای بسیار زیادی را بعنوان مزارعه، به کشاورزان واگذار می‌نمودند و کشاورزان نیز بخاطر شرایط سخت اجتماعی خود با همان درصدی که تعیین می‌شد به ناچار آن قرارداد را می‌پذیرفتند، صحیح نبود.

(۱) - عروة الوثقی، متمم ۱، صفحه ۵۹۲

(۲) - تذکره الفقهاء ج ۲ صفحه ۳۳۸ تحریر الوسیله ج ۱ ص ۶۳۶ - مبسوط ج ۳ ص ۲۵۶



### ج- معلوم و معین بودن زمین:

جهت دیگری که باید در مزارعه رعایت گردد، معلوم و معین بودن مقدار زمین است.<sup>۱</sup>



### ۳- بذر و ابزار کشت

از نظر مشهور فقهاء، بذر و ابزار زراعت، دو عامل دیگر از عوامل تولید در مزارعه هستند، این عوامل، تابع ضوابط خاصی نیستند و طرفین از ابتداء می توانند توافق کنند که بذر، تراکتور، کود، و هزینه های آبرسانی و غیره، بعهده مالک زمین و یا بعهده کشاورز باشد.<sup>۲</sup> در عین حال، نظریه دیگری وجود دارد که مطابق آن، بذر در مزارعه حتماً باید از صاحب زمین باشد.<sup>۳</sup>

و یا برخی از فقهاء مانند علامه حلی گفته اند که مقتضی اطلاق مزارعه این است که بذر و سایر هزینه ها بعهده کشاورز باشد. ولی دیگران توضیح داده اند که هر چند مزارعه متداول همین گونه می باشد، ولی طرفین، هرگونه مایل باشند می توانند توافق کنند.<sup>۴</sup> و خصوصاً مشهور متأخرین هم همین نظر را دارند.

البته طبیعی است که در توزیع محصول، بین موردی که ابزار و وسائل کشاورزی از آن کشاورز باشد و یا متعلق به صاحب زمین، تفاوت وجود دارد. در خصوص اینکه این عوامل از آن هر کدام باشد چه آثار حقوقی خواهد داشت، بعداً اشاره خواهیم کرد.<sup>۵</sup>

(۱) و (۲) - عروة الوثقی صفحه ۵۸۲ - تحریر الوسیلة ج ۱ صفحه ۶۳۶

(۳) - مبسوط ج ۳ صفحه ۲۵۳

(۴) - مستک العروة الوثقی، ج ۱۳، ص ۱۹۱

(۵) - این مسئله در کتب فقهی نیز مطرح است و به نظر عده ای از فقهاء، عوامل تولید هر کدام می تواند متعلق به یک طرف باشد، یعنی بجای اینکه در مزارعه فقط مالک زمین داشته باشیم و کشاورز و دو عامل تولید متعلق به یکی از این دو باشد، ممکن است بذر از آن یک فرد، کار از دیگری و وسائل و ابزار کشت، متعلق به فرد یا گروه سوم و بالاخره صاحب زمین هم فرد چهارمی باشد. (عروة الوثقی ص ۵۸۶، مستک العروة الوثقی، ص ۳۴۱، تحریر الوسیلة ج ۱ ص ۶۳۸). برخی از محققین توضیح داده اند که معلوم نیست صحت همه این تصویرها از جهت عنوان «مزارعه» باشد، بلکه عقد مزارعه همان است که دوطرف داشته باشد و بیش از دوطرف داشتن، قرارداد مستقلی غیر از مزارعه خواهد بود ←



#### ۴- محصول

محصول، به نسبتی که حین قرارداد مشخص شده، بین عوامل تولید تقسیم می شود. قرارداد مزارعه موجب می شود که محصول، اختصاصی به صاحب زمین یا کشاورز نداشته باشد، بلکه مربوط به هر دو گردد. و در فرض اینکه مالک ابزار، شخص یا گروه سوم باشد، قسمتی از محصول از آن او نیز خواهد بود. لذا بازده این قرارداد، مشترک خواهد بود<sup>۱</sup> و نیز مانند مضاربه، از ابتداء باید مقدار سهم هر کدام بطور مشاع معلوم باشد<sup>۲</sup> زیرا تعیین نکردن سهمی که به هر یک تعلق می گیرد، موجب می شود که باصطلاح فقهی، معامله غرری باشد و اقدام بر مبادله ای که جهل بر آن حاکم است، عامل ضرر و خطر بوده و سبب بطلان قرارداد می شود. بنابراین، باید محصول بطور درصدی برای هر یک مشخص گردد و اگر از ابتداء بخواهند مقدار خاصی از آن را برای یکی از طرفین مشخص کنند (و به عبارت دیگر، تضمین نمایند مانند اینکه گفته شود دو خروار از گندم مربوط به مالک زمین و بقیه از آن کشاورز و یا بالعکس) از مقتضای قرارداد مزارعه خارج خواهد بود.

#### مساقات

**تعریف:** مساقات قراردادی است بین مالک باغ و باغدار (نیروی کار) بر این اساس که باغدار باغ را مدت معینی آبیاری کند و به اصلاح و پرورش درختان بپردازد. سپس هر دو به نسبت مورد توافق، در محصول شریک باشند<sup>۳</sup>

همانطور که از تعریف مشخص است این قرارداد نیز تولیدی است و دو رکن دارد:

پرتال جامع علوم انسانی

→ (مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۴ صفحه ۳۳۱)

(۱ و ۲) - مبسوط ج ۳ صفحه ۲۵۳ - شرایع ج ۲ صفحه ۱۹۴ - عروة الوثقی صفحه ۵۸۲ - تحریر الوسیله ج ۱ صفحه ۶۳۶، لزوم مشاع بودن محصول بین طرفین، مورد توافق است اما اینکه اگر بدانند محصول از مقدار مشخص بیشتر است، برخی گفته اند می توان مقداری را برای یکی از طرفین، تضمین نمود ولی بسیاری از محققین، این شرط را برخلاف مقتضای مزارعه و روایاتی که در این مورد وارد شده می دانند، نظر اول این است که مشاع بودن که از روایات استقاده می شود لزومی ندارد در همه محصول باشد، و در هر صورت این مسئله مورد اتفاق نظر نیست. مستمسک ج ۱۳ ص ۳۰۳

(۳) - تذکره الفقهاء ج ۲ صفحه ۳۴۱ - مبسوط ج ۳ ص تحریر الوسیله ج ۱ ص ۶۴۲



## یکی باغ و دیگری کار.

مسائلی که در کتب فقهی در بخش مساقات بیان شده است در محور چند موضوع بشرح زیر است:

۱- عوامل تولید: الف- درخت و باغ میوه، ب- کار و اجراء قرارداد (باغداری)

۲- طرفین قرارداد،

۳- ویژگیهای مساقات،

۴- سهم عوامل تولید (تقسیم سود و زیان).

با توجه به اینکه یک سلسله مسائل مساقات با آنچه در مورد مضاربه، مزارعه بیان شد، مشابه می باشد، لذا به اختصار به قسمتی از خصوصیات آن، که جنبه اقتصادی بیشتری دارد و تکراری نیست می پردازیم.  
باغدار فقط در خدمت میوه است:

یکی از شرایط عقد مساقات این است که موضوع مورد قرارداد، از یک طرف باغ باشد. یعنی زمینی که در آن درختکاری میوه شده باشد. بنابراین:

اولاً نهالهائی که هنوز کاشته نشده، نمی تواند موضوع قرارداد مساقات قرار گیرد و به عبارت دیگر، در این قرارداد باید صاحب اصلاح باغ زحمت خود را کشیده و باغ را از جهت کاشتن درخت و آماده کردن آن فراهم کرده باشد، زیرا مسئولیتی که باغدار بعهده می گیرد فقط اصلاح باغ، زدن شاخ و برگ های زائد، آبیاری، سمپاشی های لازم و بالاخره کار در جهت به ثمر رساندن درختان می باشد و به عبارت دیگر، او باید در خدمت میوه باشد نه باغ.

ثانیاً، چنانکه از تعریف و عنوان درخت بدست می آید، صیفی کاری (هندوانه، خربزه، بادمجان و مانند آنها) که زراعتی بوته ای و فصلی است نمی تواند مشمول قرارداد مساقات باشد.<sup>۱</sup>

ثالثاً، می باید درختان باثمر باشد و درختانی که صرفاً جهت استفاده چوب و یا استفاده از شاخه های آن تربیت می شوند، مشمول قرارداد مساقات نمی گردند. البته اینکه گفته می شود درختان میوه دار منظور میوه مصطلح نمی باشد بلکه می باید دارای ثمری باشد

(۱) - تذکره الفقهاء صفحه ۳۴۲ - عروة الوثقی صفحه ۵۹۵ - تحریر الوسیله ج ۱ ص ۶۴۲

که درخت را بخاطر آن ثمره پرورش دهند و علیهذا شامل درخت سدر و مانند آن نیز می شود.

## بخش دوم

### تفاوتهای مضاربه، مزارعه و مساقات با ربا

بخش دوم بحث، تجزیه و تحلیل بیشتری است از این قراردادها، به منظور مشخص شدن تفاوتهای آنها با ربا.

برخی می گویند، مضاربه ماهیتاً همان رباست، زیرا همانطور که رباخوار ده هزار تومان می دهد و یک سال بعد مثلاً ده هزار و صد تومان می گیرد. در مضاربه نیز مالک پول مبلغ معینی در اختیار عامل می گذارد، او هم پول را به کالا تبدیل می نماید و با آن تجارت می کند و پس از فروش کالا و تقسیم سود، اصل پول را به مالک برمی گرداند با اضافه درصدی از سود که برای مالک مشخص شده و به او پرداخت می کند. پس در واقع هیچگونه فرقی بین مضاربه و ربا وجود ندارد. و به عبارت دیگر، اضافه ای که مالک از سرمایه اولیه تحویل می گیرد، حرام است، چون در ماهیت با ربا یکسان می باشد. گاهی در محکوم ساختن مضاربه و اینکه این نوع قرارداد ماهیتاً استثمار زاست می گویند:

اصولاً سرمایه را مولد دانستن و آنرا به عنوان یک عامل اصلی در تولید به حساب آوردن، سبب می شود افراد بتوانند سهمی از درآمد دیگران را بخود اختصاص دهند و این استثمار است و بدین ترتیب در طرد مضاربه، هم از عنوان شرعی ربا استفاده می شود و هم از استثمار.

در اینجا برای روشن شدن این موضوع به سه نکته که روشنگر تفاوتهای مضاربه و رباست، اشاره می کنیم و مطلبی نیز در غیراستثمار بودن مضاربه بیان میداریم:

#### ۱- در مضاربه، ارتباط مالک با مالش محفوظ است

پولی که از طرف مالک در قرارداد مضاربه ارائه می شود- کم یا زیاد- تبدیل به

کالا می گردد و بالاخره پس از گذراندن مراحل مختلف به فروش می رسد. در تمام این مراحل، ارتباط مالک با مالش محفوظ است.

پول، به صورت هر کالائی درآید در مالکیت او است و نشانگر این موضوع، مسائل مختلفی است که برخی از آنها را در بخش قبلی بیان کردیم و به نمونه های دیگری از آن اشاره می کنیم:

الف - کلیه ضوابط و شرایطی را که مالک مشخص می سازد، مانند نوع کالائی که خریداری می شود، محل خرید، نقطه ای که صادر می گردد و کیفیت انتقال و غیره، همه باید رعایت گردد وگرنه عامل ضامن می باشد. دلیل این موضوع این است که مال به هر صورتی درآمده باشد، از آن مالک است و پیوند او با مالش محفوظ می باشد.

ب - اگر خسارتی وارد آید، بعهدده عامل نیست بلکه متوجه مال المضاربه و سرمایه است.

ج - اگر مشخص شد قرارداد مضاربه باطلی باطل بوده، سرمایه و همه سود آن از آن مالک خواهد بود و مالک باید به عامل حق العمل پردازد. در مزارعه نیز گفتیم اگر معلوم شد که قرارداد باطل بوده، همه محصول به کسی که مالک بذر است تعلق خواهد داشت. اگر بذر از صاحب زمین است، محصول متعلق به او خواهد بود و باید به کشاورز اجرت کارش را پردازد و اگر بذر، متعلق به کشاورز باشد، محصول هم در مالکیت او قرار می گیرد و مالک، معادل ارزشی که از زمین او کم شده دریافت می کند.<sup>۱</sup>

(۱) - موضوع فوق از اینجا سرچشمه می گیرد که باصطلاح نما تابع ام است و به عبارت دیگر محصول دنباله ماده اولیه می باشد.

توضیح اینکه قرارداد مزارعه، وسیله است که محصول را بین مالک و عامل، مشترک می سازد. بنابراین، زمانی که فرض شد بهر دلیل این قرارداد باطل بوده است و عاملی که موجب اشتراک می شده، از کار افتاده پس دیگر شرکت در محصول معنی نخواهد داشت بلکه قاعده کلی یعنی این که محصول و نما تابع ماده اولیه است، ایجاب می کند که ماده از هر کس بوده، سود هم متعلق به او باشد.

در کتب فقهی مسائل دیگری نیز مطرح شده که به چند نمونه آن که روشنگر قانون مذکور است، اشاره می شود: چنانچه مشخص شود که قرارداد مزارعه باطل بوده، محصول متعلق به مالک بذر خواهد بود و به تبع آن، می توان سه فرض را به شرح زیر مطرح کرد:

←



مطالب فوق، نشانه این است که در مضاربه و مزارعه و مساقات که کار و سرمایه ترکیب می‌شود، ارتباط مالک از مالش قطع نشده، اما در ربا چنین نیست. زیرا ارتباط رباخوار با مالی که به عنوان ربا در اختیار شخصی می‌گذارد، قطع می‌شود. گیرنده این مال، هرگونه تصرفی که بخواهد، در مال مورد نظر می‌کند و می‌تواند آنرا به هر شکل دلخواه به مصرف رساند. این، یک تفاوت اساسی بین ربا و مضاربه می‌باشد، البته این تفاوت، بیشتر جنبه حقوقی دارد تا اقتصادی.

## ۲- مالک در مضاربه، خود اقدام کننده نسبت به کار خدماتی است

مالک بخاطر سود بیشتر، خواهان موفقیت اجراء قرارداد است. بنابراین، اگرچه در کارها مستقیماً مباشرت ندارد، اما سعی می‌کند سرمایه خود را در اختیار فرد یا مؤسسه‌ای قرار دهد که کارآئی اقتصادی خوبی داشته و باز با توجه به اینکه ضوابط تعیین شده از طرف او باید رعایت گردد، سعی می‌کند که آگاهی بیشتری از بازار پیدا کند، مانند اینکه کالا، کجا ارزان است؟ صدور کالا به کدام نقطه به مصلحت است؟ چه نوع تجارتی موفقیت بیشتری دارد؟ و بالاخره، اطلاعات اقتصادی را که از عوامل مهم موفقیت است، در اختیار مجری قرارداد می‌گذارد. بنابراین، بخاطر سود بیشتر و پائین آوردن زیان احتمالی، اعمال مدیریت و رهبری فعالیت تجارتي در محدوده قرارداد از طرف مالک در مضاربه، یک امر طبیعی است. پس او با قرارداد مضاربه، خود اقدام به یک کار خدماتی

بقیه در صفحه ۱۱۱

→ ۱- مالک بذر زارع باشد. در نتیجه، مالک محصول هم او خواهد بود. لکن چون از زمین دیگری استفاده شده، یعنی یکی از عواملی که در خدمت مزارعه قرار گرفته زمین بوده، باید اجرت آن پرداخت گردد. در بعضی از کتب فقهی از این اجرت، تعبیر به قیمت الوصف کرده‌اند یعنی ارزشی که در زمین وجود داشته و با زراعت از بین رفته است، باید معادل آن به مالک داده شود.

۲- اگر برعکس، بذر، تعلق به مالک زمین داشته باشد، محصول هم به مالک زمین تعلق می‌گیرد. لیکن چون کار کشاورز از عواملی است که در خدمت این محصول بوده، باید اجرت کاری را که روی زمین انجام گرفته، به کشاورز پرداخت شود.

۳- اگر فرض شد که بذر از فرد سومی بوده، محصول متعلق به او خواهد بود و باید اجرت مالک و کشاورز در برابر زمین و کار، که دو عامل دیگر تولید بوده‌اند، پرداخت شود. (عروة الوثقی صفحه ۵۸۷- مستمسک ج ۱۳ ص ۱۰۸-۱۰۷)

الرجال بعضها الى بعض ثم اختراقها من الصواب وابعدها من الارتياب... قد  
خاطر بنفسه من استغنى برأيه ومن استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء<sup>هـ</sup>  
و همچنین به روایاتی از این قبیل که ترغیب به مشورت و مشاورت شده،  
استشهاد کرده اند.

۵ - وسائل ج ۸ ص ۴۲۵.



بقیه از صفحه ۹۹

می نماید و در این نوع فعالیت اقتصادی، شخصاً دخالت می کند. برخلاف رباخوار، زیرا درست است که پول رباخوار هم در یک فعالیت اقتصادی فرار می گیرد و یا وسیله ای می شود برای یک عمل خدماتی، ولی، خود او اقدام کننده نیست و نسبت به آن بیگانه می باشد. و به عبارت دیگر از آنجا که سود در ربا تضمین شده است، انگیزه ای برای دخالت در کیفیت اجراء قرارداد و اعمال مدیریت ندارد.

البته باید توجه داشت که این جواب، بیشتر در مضاربه هائی است که محدود است و عامل هم از افراد معمولی می باشد. ولی اگر عامل، مؤسسات اقتصادی بزرگ مانند بانک و یا شرکتهای بزرگ اقتصادی باشد، دیگر با توجه به تخصص و آگاهیها و کارآئی اقتصادی در این نوع مؤسسات، زمینه کمتری برای اعمال مدیریت و دادن اطلاعات اقتصادی از طرف مالک وجود خواهد داشت.

